سیمای سفیان ثوری در عرفان

مریم کرملو[1]

استاد راهنما: دکتر احمد ذاکری[2]

چکیده

نگارنده در این مقاله سعی داشته درباره‌ی اندیشه‌های عرفانی شخصیت سفیان ثوری به بحث و بررسی بپردازد و در این مسیر موضوعات ریاضت، ورع، خوف و رجا، فنا و... در باب عرفان و تصوف از دیدگاه وی و مشایخ و پیروانش از منابع مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

تحقیق و تدوین آرای اساسی سفیان ثوری به صورت نظام‌مند در دوره‌ی جدید تفکر اسلامی و عرصه‌ی دین شناسی حائز اهمیت است.

نتیجه و ماحصل این تحقیق نشان می‌دهد، زهد شکل آغازین تصوف است که حتی بعد از تکامل و رشد مفاهیم تصوف باز هم به حرکت خود در همان حال و هوای نخستین ادامه می‌دهد.

کلید واژه: تصوف، زهد، ورع، خشوع، ریاضت.

---

۱ – دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی (maryam820011m@yahoo.com)

۲ – دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی– واحد کرج

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۵۵ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

چـــو زو بشـنیدم این خود را بکشتم | طـــراقی زان بـــــرون آمـــد ز پـــشتم
چـــو قـول او چنان وقتی چنین بود | چـنین شد پشت من چون روی این بود
نصـــیب اوستادم چون چـــــنینست | کـــجا شاگـــرد را امـــید دینـــــست
چو شـــد انـــجام استاد این درستم | مـــن از شـــاگردی خـود دست شستم

آنگونه که از روایت عطار برمی‌آید، سفیان از همان ابتدا، پشتی خمیده داشته است و این گوژپشـــتی به دلیل ترسی است که بعد از شنیدن سرانجام استاذ بر او غلبه کرده و او ظاهر شده است. (عطار نیشابوری، فریدالدین، الهی نامه، ص۲۸۱-۲۸)

۱-۱-۵-دانش‌ها و تخصص‌های سفیان ثوری

از بررســی آثار و نوشته‌های سفیان روشن می‌شود که او در تفسیر قرآن، حدیث و روایت، کلام، عرفان و تصوف، فقه و اصول و بالاخره ریاضی و حساب صاحب نظر بوده است.

درباره‌ی اینکه ســفیان ثوری در ریاضی و حساب نیز تخصص داشته، فؤاد سزگین نوشـــته است، «ثوری نخستین کسی شـــمرده می‌شود که در کوفه احادیث را به ترتیب نظم درآورد. او که پیرو «اهل حدیث» بود، مذهبی فقهی تأسیس کرد؛ ولی این مذهب چندانـــی نپاییـــد. گویند ریاضی دانی نیکو نیز بوده اســـت.» (ســزگین، محمد فـؤاد، تاریخ نگارش‌های عربی، ج۱، ص۷۳۴)

۱-۱-۶-استادان سفیان ثوری

سفیان ثوری محدث بزرگ قرن دوم، در خدمت اکابر تابعین مانند محمدبن سائب و أعمش و ابواسحاق سبیعی (م.۱۲۷) به تحصیل حدیث پرداخت.

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۵۹ ◇◇◇

از وفاتش، مرا گفت: از آشـــنایی با مردمان کم کن، چه خلاص از ایشان دشوار است. (غزالی، ابوحامد محد، احیاء علوم الدین، ربع عادات، ۲، ص۵۰۶-۵۰۵)

۱-۱-۸-معاصران

۱-ابوهاشم الصوفی (م.۱۵):

اصل وی از کوفه و در رمله می‌زیســـت. وی نخســـتین کسی بود که رسماً به لقب صوفی خوانده شد. (کاشانی، عزالدین، مصباح الهدایه، ص۸۶ به بعد)

ســـفیان ثوری گوید: «من ندانســـتم که صوفی چه بود تا بوهاشم صوفی را ندیدم.» (جامـــی، نورالدیـــن عبدالرحمان، نفحات الانس مـــن حضرات القدس، ص۲۷ و نیـــز رازی، امین احمد، تذکره‌ی هفت اقلیم، ج۱، ص۱۰۴)

۲-ابراهیم ادهم:

ابواســـحق ابراهیم بن ادهم بن منصور از شـــهر بلخ و از بناء ملوک بود. وی به مکه رفت و با سفیان ثوری دوستی دیرینه داشت. «سفیان ثوری و ابراهیم ادهم -قدس الله روحهما- رفیق یکدیگر بودند و به سه شبانه روز افطار کردندی.» (سهروردی، شیخ شهاب الدین، عوارف المعارف، ص۱۰۵)

۳-ام حسان:

به روایت جامی در نفحات الانس، بین او و ســـفیان الفتی برقرار بوده اســـت. سفیان گفته است که: «وقتی بروی درآمدم، در خانه‌ی او غیر از یک پاره حصیر کهنه هیچ ندیدم و گفتم: اگر رقعه‌ای به پسران عم تو نوشته شود، رعایت حال تو می‌کنند. وی گفت:ای ســـفیان! در چشـــم و دل من بیشتر از این بزرگتر بودی از این که اکنون شدی. من هرگز

۱۶۱ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۶۳ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۶۵ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۶۷ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۶۹ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۷۱ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۷۳ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇